نگاه

## کلاهبرداری به روش «رمالی»

سرگرد علی صباحی‌فرد
کارشناس اداره آموزش همگانی

● گرایش به خرافه‌ها ریشه در هزاران سال گذشته داشته و به جوامع اولیه و ابتدایی بازمی‌گردد. در قبیله‌های سرخ‌پوستی، جادوگران و رمالانی وجود داشتند که از آینده خبر می‌دادند و نقش مهمی در تصمیم‌گیری‌های آینده قبیله خود داشتند. این موضوع ریشه‌های بسیار عمیقی در همه فرهنگ‌ها ازجمله فرهنگ ما دارد. به عقیده جامعه‌شناسان، منشأ بیشتر خرافه‌ها، آموزه‌هایی است که در قرون متمادی وارد ذهن ما شده و به این سادگی از بین نمی‌رود. بدون شک برخورداری از تحصیلات، آگاهی، درک و شناخت، می‌تواند خنثی‌کننده خرافه و خرافه‌گرایی باشد. یکی از مصادیق خرافه‌گرایی در جامعه ما، مراجعه افراد به فالگیران، رمالان، جن‌گیران و مدعیان انرژی‌درمانی است. آنچه باعث حساسیت ویژه پلیس نسبت به این موضوع در سال‌های اخیر شده است، افزایش پرونده‌های اغفال و کلاهبرداری به‌ویژه علیه زنان و دختران است که با روش رمالی صورت گرفته است. خداوند متعال در آیه ۱۸۸ سوره اعراف درباره علم غیب خطاب به نبی اکرم اسلام می‌فرماید: «بگو: من مالک هیچ سود و زیانی برای خودم نیستم، مگر آنچه را خدا بخواهد (و از غیب و اسرار نهان نیز خبر ندارم، مگر هرچه خدا بخواهد) و اگر غیب می‌دانستم، منافع زیادی برای خودم فراهم می‌کردم و هرگز زیانی به من نمی‌رسید. من جز هشداردهنده و بشارت‌دهنده برای گروهی که ایمان می‌آورند، نیستم». بر اساس برخی از آیات و روایات، می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که علم غیب ازجمله علومی است که صرفا در حیطه توان و قدرت خداوند متعال قرار دارد و تنها خداوند می‌تواند این علم را به انبیا و اولیای خود تفویض کند؛ ازاین‌رو، بدون شک دم‌زدن افرادی همچون کولی‌ها از داشتن علم کف‌بینی و پیشگویی، چیزی جز کلاهبرداری نیست. درباره مذمت و زشتی این موضوع نیز پیامبر گرامی اسلام می‌فرمایند: سه کس وارد بهشت نمی‌گردند و یکی از آنها تصدیق‌کننده سحر و جادو است که این مؤید قبح این موضوع در اسلام است. طبق قانون، افرادی که از طریق رمالی و پیشگویی در منزل یا مغازه اقدام به فریب مردم کنند و این کار را به‌عنوان کسب و پیشه خود قرار می‌دهند، مرتکب جرم شده و قانون برای این افراد مجازات حبس و جزای نقدی پیش‌بینی کرده است. ضمن اینکه اگر رمالی منجر به تحصیل مال نامشروع بشود، متهم به عنوان کلاهبردار نیز تحت پیگرد قرار می‌گیرد و ماده یک قانون تشدید مجازات ارتشا و کلاهبرداری، درباره او اعمال می‌شود که در آن تصریح شده است:«هرکس از راه حیله و تقلب مردم را به وجود شرکت‌ها یا تجارتخانه‌ها یا کارخانه‌ها یا مؤسسات موهوم یا به داشتن اموال و اختیارات واهی فریب دهد یا به امور غیرواقع امیدوار نماید، یا از حوادث و پیشامدهای غیرواقع بترساند و یا اسم و یا عنوان مجعول اختیار کند و به یکی از وسایل مذکور و یا وسایل تقلبی دیگر وجوه و یا اموال یا اسناد یا حوالجات یا قبوض یا مفاصاحساب و امثال آنها تحصیل کرده و از این راه مال دیگری را ببرد، کلاهبردار محسوب و علاوه بر رد اصل مال به صاحبش، به حبس از یک تا هفت سال و پرداخت جزای نقدی معادل مالی که اخذ کرده است، محکوم می‌شود». بااین‌حال، چرا با وجود پیش‌بینی مجازات قانونی برای مرتکبان این قبیل جرائم، باز هم شاهد وقوع آن در جامعه هستیم؟ پاسخ این سؤال به شروع بحث ما بازمی‌گردد و آن ساده‌اندیشی و گرایش برخی افراد به خرافه است. افراد بسیاری می‌خواهند از آینده باخبر شوند، همین موضوع از زمینه‌های اصلی روی‌آوردن آنها به فالگیری، رمالی، جن‌گیری و مشابه‌های نوین آنها مانند انرژی‌درمانی است. عامل مهم دیگر، معرفی فالگیران و رمالان از سوی دوستان و آشنایانی است که خود به افراد فوق مراجعه کرده و تصور می‌کنند نتیجه مثبتی گرفته‌اند. مشاهده نشانه‌های رضایت در چهره فرد، فالگیران را تشویق به ادامه صحبت یا تغییر گفتارشان می‌کند و بیشتر حرف‌های تکراری است که بر زبان آنها می‌آید، مانند: «به زودی پولی به دست می‌آوری»، «سندی را امضا خواهی کرد»، «به مسافرت می‌روی»، «یک زن (یا یک مرد) به تو حسادت می‌کند»، «کسی در زندگی همسر تو وجود دارد» یا «به‌زودی به خانه بخت خواهی رفت»و... .فرد مراجعه‌کننده به فالگیر، پاره‌ای از مسائل مطرح‌شده از طرف وی را می‌پذیرد و بخش دیگر را نمی‌پذیرد. قسمت پذیرفته‌شده بدون تفکر درست و منطقی صورت می‌گیرد و قسمت پذیرفته‌نشده نیز به فراموشی سپرده می‌شود. خداوند متعال با مفتخرکردن بشر به عقل و ارائه راه درست از طریق پیامبران، او را سازنده سرنوشت و مسئول اعمال خود و در نتیجه مستوجب کیفر یا پاداش می‌داند و این موضوع با مسئله فالگیری و رمالی که جایگاهی برای «اختیار» در آن نیست، کاملا منافات دارد. امروزه با توجه به رشد بینش و آگاهی مردم و وجود مشاوران و کارشناسان زبده در موضوعات مختلف مذهبی، خانواده، روان‌شناسی و... - نیروی انتظامی هم در کلانتری‌ها و پایگاه‌های اجتماعی خود با استفاده از مشاوران متخصص به حل مشکلات و اختلافات ارجاع‌داده‌شده اهتمام ویژه دارد- دیگر رمالی و پیشگویی محلی از اعراب ندارد؛ بنابراین رمالان و فالگیران اگر قادر به انجام کاری بودند، گره از مشکلات زندگی خود باز می‌کردند که خود این موضوع، مؤید شیادی و حقه‌بازی این‌گونه افراد است.

# کودک یک‌ساله، قربانی خیانت پدر و مادر

**شرق:** فرار زن از مشکلاتی که با شوهرش داشت، او را وارد رابطه‌ای ممنوع کرد که در نهایت منجر به قتل فرزندش شد. به گزارش خبرنگار ما، ۱۲ اردیبهشت ماه سال گذشته زنی به مأموران پلیس خبر داد که فرزندش گم شده است. این زن گفت: پسرم یک سال و سه ماهش بود من او را سوار ماشینم کردم و با هم مقابل داروخانه رفتیم. بچه در ماشین بود؛ به محض اینکه از داروخانه بیرون آمدم متوجه شدم نه ماشین هست و نه بچه. درحالی‌که مأموران تحقیقات گسترده‌ای را برای پیداکردن این کودک آغاز کرده بودند، مادر جوان او یک بار دیگر به مأموران مراجعه کرد و این‌بار حرف‌های تکان‌دهنده‌ای درباره فرزندش گفت. او گفت: سال‌ها بود که من و شوهرم با هم اختلاف داشتیم و دایی شوهرم برای اینکه بین ما واسطه شود تا اختلافمان حل شود، چندباری به خانه ما آمد. در این گفت‌وگوها ما به هم دل بستیم و با هم رابطه برقرار کردیم. شوهرم معتاد بود و من هیچ‌وقت با او رابطه نداشتم به همین خاطر هم با دایی او وارد رابطه شدم. من باردار شدم و همین موضوع شک شوهرم را نسبت به من برانگیخت. شوهرم که هر شب با چاقو سراغم می‌آمد و من را تهدید می‌کرد، حالا رفتاری بسیار بدتر با من می‌کرد و آزارم می‌داد. بچه به دنیا آمد و شوهرم مرتب به من می‌گفت که این بچه مال من نیست و من زیر بار نمی‌رفتم. اما این تنها مشکل من نبود؛ در این میان دایی شوهرم هم مرتب به من می‌گفت این بچه را باید از بین ببری و من چون به‌شدت به فرزندم دلبسته بودم، نمی‌توانستم این کار را بکنم. او تنها کسی بود که من در زندگی داشتم و نمی‌توانستم او را از دست بدهم تا شوهرم موضوع آزمایش دی‌ان‌ای را مطرح کرد و من در تله گیر افتاده بودم؛ نمی‌توانستم کاری بکنم. با پدر فرزندم صحبت کردم و او گفت بچه را به من بده، خودم کاری می‌کنم. بچه و ماشین را از من گرفت و من بعد از آن دیگر خبری از فرزندم نداشتم.زن جوان ادامه داد: بعد از گفته‌های این زن مأموران به سراغ مردی رفتند که بچه را با خود برده بود. این مرد بعد از بازداشت اعتراف کرد پسربچه را به قتل رسانده است. او گفت: برای اینکه آبروریزی نشود چاره‌ای نداشتم جز اینکه بچه را از بین ببرم. آن روز وقتی بچه را از مادرش گرفتم، دستمالی به گردن او بستم و او را از چاهی آویزان کردم. وقتی داشتم این کار را می‌کردم به صورت بچه نگاه نمی‌کردم که پشیمان شوم. من چند فرزند و همسر داشتم و نمی‌خواستم زندگی‌ام نابود شوم؛ ضمن اینکه شوهر این زن، خواهرزاده من بود؛ اگر مسئله رو می‌شد من همه زندگی‌ام را از دست می‌دادم.به این ترتیب زن و مرد جوان بازداشت شدند و کیفرخواست علیه آنها به اتهام قتل کودک یک‌سال‌وسه‌ماهه صادر و پرونده برای رسیدگی به شعبه چهار دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد. روز گذشته جلسه رسیدگی به این پرونده آغاز شد. بعد از اینکه نماینده دادستان کیفرخواست را خواند و خواستار مجازات برای متهمان شد، مرد متهم به قتل که پدر بچه بوده است، در جایگاه حاضر شد. او اتهام قتل را قبول کرد و گفت: من از ترس آبرویم این کار را کردم و زمانی که بچه را می‌کشتم، به صورتش نگاه نمی‌کردم که مبادا پشیمان شوم.سپس زن جوان در جایگاه حاضر شد؛ او گفت: قبول دارم بچه را من به دست پدرش دادم اما فکر نمی‌کردم او را بکشد. من فکر می‌کردم چون او خودش چند فرزند دارد، بنابراین کاری نمی‌کند که به بچه آسیبی برساند و نهایتش این است که بچه را جایی رها می‌کند و من می‌روم دوباره بچه را برمی‌دارم. من قصد کشتن بچه را نداشتم؛ اگر می‌دانستم او این کار را می‌کند، هیچ‌وقت بچه را نمی‌دادم.او درباره اینکه حالا شوهرش کجاست، گفت: شوهرم چند ماه بعد از این ماجرا فوت کرد. او اعتیاد داشت و اوردوز و فوت کرد، او خیلی من را اذیت می‌کرد. از وقتی ازدواج کرده بودیم به خاطر اینکه اعتیاد داشت شب‌ها بالای سرم می‌آمد و مرتب من را با چاقو تهدید می‌کرد، کتکم می‌زد و آزارم می‌داد. همین کارهای شوهرم بود که باعث شد من وارد رابطه با مردی شوم که به بچه‌اش هم رحم نکرد.با پایان دفاعیات متهمان و دفاعیات وکلای آنها هیئت قضائی برای صدور رأی دادگاه وارد شور شدند.

## زنان مسن قربانیان جدید سارقان جوان

**شرق:** دو مرد جوان که بعد از آشنایی در زندان نقشه سرقت از زنان سالمند را کشیده و از چندین زن سرقت کرده بودند، بازداشت شدند.

آبان‌ماه سال جاری زنی ۶۹ساله با مراجعه به کلانتری ۱۵۹ بیسیم به مأموران اعلام کرد که طلا و جواهراتش به وسیله سرنشینان یک دستگاه خودروی پراید و در پوشش افراد خیّر سرقت شده است.با تشکیل پرونده مقدماتی با موضوع «سرقت طلاجات به شیوه قاپ‌زنی» و به دستور بازپرس شعبه سوم دادسرای ناحیه ۳۴ تهران، پرونده برای رسیدگی در اختیار پایگاه ششم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفت.مال‌باخته پس از حضور در پایگاه ششم پلیس آگاهی تهران بزرگ در اظهاراتش به کارآگاهان گفت: «داخل ایستگاه اتوبوس خیابان ۱۷ شهریور، منتظر آمدن اتوبوس بودم که یک پراید سفیدرنگ با دو جوان مقابلم توقف کرد؛ سرنشین پراید ابتدا نشانی یک خیابان را از من پرسید و در ادامه، با نشان‌دادن یک کیسه حاوی البسه عنوان داشت که قصد رساندن این لباس‌ها به افراد نیازمند را دارد؛ این شخص حتی یک بسته دوهزارتومانی را نیز نشان داد و خواهش کرد تا این بسته پول را به همراه کیسه حاوی البسه به افراد نیازمند برسانم. در زمان تحویل‌گرفتن کیسه البسه، سرنشین پراید به بهانه اینکه قصد خرید طلاهایی مشابه طلاهای من را برای همسرش دارد، سؤالاتی را درباره مشخصات طلاجات همراهم مطرح کرد و نهایتا به بهانه نوشتن شماره‌های درج‌شده در داخل طلاها از من خواهش کرد تا برای لحظه‌ای طلاجات خودم را در اختیارش بگذارم؛ این شخص پس از نوشتن شماره‌های درج‌شده روی طلاها، آنها را به همراه بسته پول دوهزارتومانی داخل کیسه محتوی البسه گذاشت و پس از بستن درِ کیسه، کیسه را به من تحویل داد و حتی تأکید کرد که طلاهایم را به همراهِ بسته پول در داخل کیسه گذاشته است. کیسه حاوی لباس‌ها را همراه خود به خانه بردم؛ قبل از تحویل‌دادن کیسه البسه به خانواده‌ای نیازمند، درِ کیسه را باز کردم تا طلاجات خودم را از داخل آن بردارم؛ اما از طلاها و بسته پول هیچ خبری نبود؛ کیسه را کامل خالی کردم و در آنجا

بود که متوجه پارگی کیسه در قسمت پایین آن شدم».با توجه به شیوه و شگرد سارقان در سرقت طلاجات مال‌باخته، کارآگاهان پایگاه ششم پلیس آگاهی با بررسی پرونده‌های مشابه و بهره‌گیری از بانک اطلاعات مجرمان سابقه‌دار در پلیس آگاهی، موفق به شناسایی یکی از مجرمان سابقه‌دار در زمینه سرقت طلاجات از زنان به نام «حسین. م» (متولد ۱۳۶۹) شدند که از سال ۱۳۹۰ تاکنون بارها به اتهام زورگیری، قاپ‌زنی و سرقت طلاجات از بانوان دستگیر و روانه زندان شده است.با شناسایی تصویر «حسین. م» از سوی شاکیِ پرونده و چندین مال‌باخته دیگر که دقیقا به همین شیوه و شگرد از آنانَ سرقت شده بود، شناسایی مخفیگاه متهم برای دستگیری‌اش در دستور کار کارآگاهان قرار گرفت.با انجام اقدامات پلیسی، مخفیگاه «حسین. م» در منطقه شوش و خیابان منصور شناسایی شد کارآگاهان پس از اطمینان از حضور متهم در مخفیگاهش او را دستگیر و به پایگاه ششم پلیس آگاهی تهران بزرگ منتقل کردند. «حسین. م» پس از انتقال به پایگاه ششم آگاهی و مواجهه حضوری با تعدادی از مال‌باختگان، صراحتا به «سرقت طلاجات از زنان در پوشش افراد خیّر» اعتراف و همدستش به نام «سعید. م» را نیز معرفی کرد. با شناسایی «سعید. م» (متولد ۱۳۶۸) او نیز به‌عنوان یکی از مجرمان سابقه‌دار در زمینه سرقت داخل خودرو شناسایی شد.بنا بر اعترافات «حسین. م»، این دو مجرم سابقه‌دار ابتدا در زندان با یکدیگر آشنا شدند و پس از آزادی از زندان، سرقت طلاجات از بانوان به‌ویژه پیرزن‌ها را در قالب گروه دونفره و با استفاده از خودروی پراید سفیدرنگ و همچنین خودروی پژو ۴۰۵ نوک‌مدادی آغاز کرده بودند.در ادامه اقدامات پلیسی برای دستگیری «سعید. م»، کارآگاهان پایگاه ششم پلیس آگاهی با شناسایی مخفیگاه وی در منطقه خاوران، او را در ۲۴ بهمن‌ماه سال جاری دستگیر و به پایگاه ششم پلیس آگاهی تهران بزرگ منتقل کردند.هر دو متهم پرونده که اعتیاد شدیدی به مصرف مواد مخدر از نوع شیشه و تریاک دارند، در همان مراحل اولیه تحقیقات و در اعترافات خود به ده‌ها فقره سرقت مشابه در مناطق مختلف تهران به‌ویژه در مناطق پاسداران، تهران‌نو، پیروزی، نیروی هوایی، شمس‌آباد، رسالت، نارمک و همچنین سایر شهرهای کشور به‌ویژه در اصفهان، رفسنجان و قزوین اعتراف و عنوان کردند که طلا و جواهرات مسروقه را به دو خریدار طلاجات مسروقه در محدوده میدان خراسان فروخته‌اند که این دو خریدار اموال مسروقه نیز دستگیر و در تحقیقات تکمیلی به خرید طلاجات سرقتی از متهمان پرونده اعتراف صریح کردند. سرهنگ کارآگاه رضا امیدی، رئیس پایگاه ششم پلیس آگاهی تهران بزرگ، با اعلام این خبر گفت: «با اعتراف صریح متهمان به ده‌ها فقره سرقت به شیوه و شگرد یادشده و برای شناسایی سایر شکات و مال‌باختگان، متهمان با قرار قانونی و برای انجام تحقیقات تکمیلی در اختیار پایگاه ششم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار داده شده‌اند؛ بنابراین از همه شکات و مال‌باختگانی که به این شیوه و شگرد از آنها سرقت شده، دعوت می‌شود تا برای شناسایی متهمان به پایگاه ششم پلیس آگاهی در خیابان نبرد شمالی - میدان نبرد - انتهای خیابان شهید بیدچی مراجعه کنند».

### درخواست کمک پدری که پسرش در آستانه قصاص است

## پسرم ۳ بار پای چوبه دار رفت

**شرق:** خانواده جوانی که محکوم به قصاص شده و تاکنون سه بار در آستانه اعدام قرار گرفته است، برای نجات او از مردم کمک خواستند.

به گزارش خبرنگار ما، این جوان که کریم نام دارد در زمان قتل حدود ۲۰ سال داشته و اکنون سه سال است که در زندان به سر می‌برد. وی در پی یک نزاع دسته‌جمعی مرتکب قتل شد. او بعد از حادثه خود را به مأموران معرفی کرد و پنج متهم دیگر هم‌زمان با او دستگیر شدند. درنهایت پس از جلسات رسیدگی و تحقیقات انجام‌شده کریم به قصاص محکوم شد و یک‌بار پای چوبه‌دار رفت اما اولیای‌دم در آخرین لحظات موافقت کردند که با دادن زمان به طور موقت از اجرای حکم گذشت کنند. کاکاجان جدی‌منش درباره شرایط فعلی پرونده پسرش می‌گوید: «حکم صادرشده درباره کریم قطعی است و راهی برای جلوگیری از اجرای حکم وجود ندارد، ما الان برای قصاص‌نشدن پسرم تنها به پول نیاز داریم. چند بار با خانواده مقتول صحبت کردیم و درنهایت آنها به دریافت مبلغی راضی شدند. بخشی از این پول را خودمان فراهم کردیم، هرچه زمین داشتم فروختم. بخش دیگری را هم با کمک مردم عشایر و منطقه جمع‌آوری کردیم. به بخشدار و فرماندار هم نامه نوشتم تا کمک‌مان کنند. الان هم از همه مردم کمک می‌خواهم و اگر کسی کمکی از دستش برمی‌آید خواهش می‌کنم به ما کمک کند. من پیرمردی سکته‌ای هستم و گوشه خانه افتاده‌ام و ناتوانم، امیدم به بازگشت پسرم است».

ذوالفقار منصوری، پسرعموی این متهم که در بسیاری از مراحل پیگیر کار او بوده است؛ درباره نحوه و زمان قتل می‌گوید: «این قتل به دلیل درگیری‌ای است که بین دو طایفه اتفاق افتاده بود. اردیبهشت سال ۹۲ در یکی از روستاهای اطراف شیراز، یک دعوای دسته‌جمعی بین یک‌سری افراد اتفاق افتاد و پسرعموی من کریم و مقتول هر دو در حال عبور از محل درگیری بودند که می‌بینند قوم و خویش‌شان در حال دعوا هستند. تا جایی که من می‌دانم، آخر دعوا بود و پسرعموی من یک اسلحه سوزنی همراهش بود. مقتول هم با ماشین در حال حمل مصالح ساختمانی بوده است که هر دو وقتی به محل دعوا می‌رسند پیاده می‌شوند و... و کار به اینجا می‌کشد». وی درباره انگیزه قاتل و مقتول می‌گوید: «آنها با هم مشکلی نداشته‌اند و انگیزه دعوای آنها اقوامی بودند که با هم درگیری داشتند. پسرعموی من به باغ می‌رفت و اسلحه را هم برای این برده بود که اگر جانوری آنجا بود و خواست حمله کند از خودش دفاع کند. اما انگار وقتی به محل دعوا می‌رسد مقتول سنگ برمی‌دارد و می‌خواهد آن را پرتاب کند و کریم هم برای اینکه او را بترساند، گلوله‌ای بی‌هدف شلیک و فرار می‌کند اما اشتباهی گلوله به پیشانی او می‌خورد که باعث مرگش می‌شود».

منصوری درباره نحوه دستگیری و اقداماتی که برای صلح و سازش انجام شده، می‌گوید: «بعد از این ماجراها پسرعمویم خودش را معرفی کرد چون ناخواسته مرتکب قتل شده بود فکر نمی‌کرد به قصاص محکوم شود. حتی برای خودش وکیل نگرفت و گفت ریش‌سفیدان وکیل من هستند. سرانجام بعد از صدور حکم قصاص ریش‌سفیدان وارد شدند و بارهاوبارها با خانواده مقتول جلسه برگزار شد تا درنهایت آنها مبلغی تعیین کردند و گفتند ما با این مبلغ رضایت می‌دهیم. البته قاتل و مقتول هم با هم نسبت قوم و خویشی دارند و قبل از این اتفاق چند وصلت با هم داشته‌اند و در نهایت اقدامات ما و تلاش ریش‌سفیدان با توجه به این نسبت‌های فامیلی بعد از دو سال به نتیجه رسید و درنهایت موفق شدیم به طور نسبی نظر اولیای دم را برای تأخیر در اجرای حکم جلب کنیم. ما از اواخر سال ۹۳ بود که برای رضایت اولیای دم تلاشمان را بیشتر کردیم». پسرعموی متهم به قتل در پاسخ به این سؤال که آیا اسلحه مجوز داشته است، می‌گوید: «اسلحه مال خود کریم نبوده است و مجوز هم نداشت، آن را قرض کرده بود که اگر در باغ جانور کوهی و وحشی بود از خودش دفاع کند. در دعوا هم شرکت نداشت و پنج دقیقه آخر رسیده بود و اصلا شرکت در دعوا با برنامه قبلی و آمادگی نبوده است». البته به گفته منصوری، کریم یک‌بار پای چوبه‌دار رفته و دوبار هم به قرنطینه رفته اما قبل از آنکه پای چوبه‌دار برود موفق شده‌اند نظر اولیای‌دم را به طور موقت جلب کنند. او ادامه می‌دهد: «درنهایت در روزهای آینده فرصتی که اولیای‌دم داده‌اند، تمام می‌شود، آخرین باری که موفق شدیم از اولیای دم زمان بگیریم حدود سه ماه پیش بود که آن موقع آنها شرایطی را تعیین کردند که یکی از آن شرایط فراهم‌کردن پول بود».

شهروندانی که قصد کمک به این خانواده را دارند می‌توانند کمک‌های نقدی خود را به شماره کارت ۶۰۳۷۷۰۱۱۰۳۰۸۶۴۲۴ به نام کاکاجان جدی منش پدر جوان محکوم به قصاص واریز کنند.

## برخورد شدید خودروی سواری با پایه پل عابر

**شرق:** برخورد شدید خودروی سواری با پایه پل عابر پیاده، موجب مصدومیت خانم جوان شد. با اعلام این حادثه به سامانه ۱۲۵ از سوی رانندگان خودروهای عبوری، بلافاصله نیروهای آتش‌نشانی ایستگاه ۶۰ و گروه امداد و نجات ۱۱ با هماهنگی ستاد فرماندهی سازمان آتش‌نشانی تهران، ساعت ۲۰:۵۰ شب جمعه به بزرگراه بسیج، بزرگراه هجرت (مسیر غرب به شرق) اعزام شدند. به گفته عباس ساری، فرمانده آتش‌نشانان اعزام‌شده به محل حادثه، یک دستگاه خودرو سواری پژو آردی با دو سرنشین در حال حرکت در بزرگراه بود که به علت نامشخصی از مسیر اصلی منحرف شده و با پایه پل هوایی عابر پیاده برخورد کرده و متوقف شده بود. وی در ادامه گفت: بر اثر شدت این برخورد، یکی از سرنشینان خودرو که خانمی ۱۹ساله بود از ناحیه گردن، سر و کمر به‌شدت دچار آسیب‌دیدگی شده بود. این فرمانده آتش‌نشانی با اعلام اینکه فرد آسیب‌دیده قادر به خروج از خودرو نبود، اضافه کرد: نیروهای آتش‌نشانی پس از قطع جریان برق خودرو و نصب علائم هشداردهنده در اطراف محل حادثه، فرد مصدوم را از خودرو خارج کرده و وی را برای اقدامات بعدی به عوامل اورژانس حاضر در محل تحویل دادند. ساری خاطرنشان کرد: آتش‌نشانان پس از ایمن‌سازی و انتقال خودروی سواری به حاشیه بزرگراه، محل حادثه را برای بررسی علت برخورد، به کارشناسان پلیس راهور تحویل دادند.

رخداد

## خودکشی پدری که ۲ دخترش را به قتل رسانده بود

● **شرق:** مردی که متهم بود دو دخترش را کاردآجین کرده و به قتل رسانده است، خودکشی کرد. معاون اجتماعی فرماندهی انتظامی آذربایجان شرقی خبر جان‌باختن پدر قاتل دو دختر در تبریز را تأیید کرد. سرهنگ علی اسمعیل‌پور به ایسنا، گفت: این قاتل حین دستگیری اقدام به خودزنی کرده بود که به علت شدت جراحات وارده، جمعه در بیمارستان جان باخت. وی یادآور شد: انگیزه قتل دو دختر سه و ۱۰ساله به دست پدر ۴۵ ساله‌شان، در دست بررسی است. دو دختر سه و ۱۰ساله تبریزی دو روز قبل در محله آخمقیه تبریز، به دست پدر خود با ضربات چاقو به قتل رسیدند و بعد از ۱۸ ساعت نیز پدر از سوی نیروی انتظامی دستگیر شد و در حین دستگیری خودزنی کرد و به‌دلیل شدت جراحات، جان باخت.

## ریزش آوار ساختمان خالی از سکنه حادثه آفرید

● **باشگاه خبرنگاران جوان:** ریزش قسمتی از یک ساختمان خالی از سکنه در خیابان مصطفی خمینی، به خیر گذشت. پس از تماس شهروندان با سامانه ۱۲۵ دو تیم به محل اعزام شدند. فرشاد کریمی، افسر آماده منطقه پنج عملیات آتش‌نشانی تهران، درباره این حادثه گفت: دیوارهای کناری یک خانه قدیمی یک‌طبقه که خالی از سکنه بود، به دلیل فرسودگی دچار ریزش شده بود. وی اضافه کرد: نیروهای عملیاتی پس از ایمن‌سازی محل حادثه از محبوس‌نشدن شهروندان در زیر آوار، اطمینان حاصل کردند و پس از تخریب قسمت‌های خطرساز و ارائه تذکرات ایمنی به همسایگان، محل را به عوامل شهرداری حاضر در محل تحویل دادند.

## نجات کوهنورد ۶۵ساله از زیر بهمن

● سخنگوی مرکز مدیریت حوادث و فوریت‌های پزشکی گفت: کوهنوردی ۶۵ساله از زیر بهمن زنده خارج و راهی بیمارستان شد. عباسی، سخنگوی مرکز مدیریت حوادث و فوریت‌های پزشکی، اظهار کرد: ساعت ۱۳:۲۵روز جمعه به علت ریزش بهمن در آبشار شکرآب در رودبار قصران، یک زن کوهنورد دچار حادثه شد. بلافاصله با همکاری امداد کوهستان، تیم‌های اورژانس فشم به محل حادثه اعزام شدند. وی ادامه داد: زن ۶۵ساله از زیر بهمن خارج شد و از مرگ حتمی نجات یافت. سخنگوی مرکز مدیریت حوادث و فوریت‌های پزشکی تأکید کرد: مصدوم با یک دستگاه آمبولانس به بیمارستان شهدای تجریش منتقل شد.

## سارقان مسلح سوپرمارکت‌های تهران روز گذشته دادگاهی شدند

● **میزان:** سارقان مسلح سوپرمارکت‌های تهران، روز گذشته در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب محاکمه شدند. پرونده سارقان مسلح سوپرمارکت‌های تهران به اتهام محاربه (۱۴ اسفند) در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب با حضور وکلا، متهمان و ۳۰ نفر از شکات رسیدگی شد. سردار حسین ساجدی‌نیا، چهار دی درباره دستگیری سارقان مسلح سوپرمارکت‌های تهران اظهار کرد: یکشنبه هفته گذشته وقوع سه سرقت مسلحانه از سوپرمارکت‌های محله دهکده المپیک به پلیس اعلام شد. بلافاصله پس از انتشار این خبر، تیم‌های ویژه پلیس آگاهی تحقیقات خود را برای دستگیری این سارقان آغاز کردند و چهار ساعت بعد، پنج عضو این باند شناسایی شدند. وی ادامه داد: ۷۲ ساعت بعد کارآگاهان پلیس موفق شدند اعضای این باند را در تهران، ورامین و قرچک دستگیر کنند. به گفته ساجدی‌نیا این سارقان علاوه بر شهر تهران در شهرهای اطراف نیز مرتکب سرقت شده و همین امر باعث ایجاد رعب و وحشت بین صنف خواربارفروشان شده بود. به گفته رئیس پلیس تهران، اعضای این باند نقشه سرقت در چند استان را طراحی کردند که قبل از اجرا، شناسایی و دستگیر شدند. ساجدی‌نیا درباره سرقت‌های اعضای این باند گفت: اعضای این باند اگرچه سرقت‌های مسلحانه انجام داده‌اند؛ اما ارزش ریالی برخی از این سرقت‌ها به صدهزار تومان هم نمی‌رسد. وی ادامه داد: تعدادی از متهمانی که در این رابطه دستگیر شده‌اند، دارای سابقه سرقت مسلحانه بوده و پیش از این در چند نوبت دستگیر شده‌اند.

شرکت ملی نفت ایران
شرکت نفت فلات قاره ایران

آگهی فراخوان ارزیابی کیفی

شماره مجوز: ۱۳۹۵.۵۲۵۵
نوبت دوم

شرکت نفت فلات قاره ایران در نظر دارد نسبت به انجام ارزیابی کیفی جهت خرید/تامین کالای مورد نیاز خود از طریق مناقصه عمومی دومرحله ای اقدام نماید. بدینوسیله از شرکتهایی که سابقه و توانایی ارائه پیشنهاد را دارند جهت شرکت در فراخوان ارزیابی کیفی دعوت بعمل می آید.
۱. شماره مناقصه: FLS -9540082/MK
۲. موضوع مناقصه: DELTA PRESSURE SWITCHES
۳. آخرین مهلت دریافت اسناد ارزیابی کیفی ۵ روز پس از انتشار آگهی نوبت دوم
۴. آخرین مهلت ارائه مدارک تکمیل شده ارزیابی کیفی ۱۴ روز از تاریخ آخرین مهلت دریافت اسناد ارزیابی می باشد.
۵. توانایی ارائه ضمانتنامه شرکت در فرآیند ارجاع کار به مبلغ ۱۶۵.۰۰۰.۰۰۰ ریال در صورت کسب حداقل امتیاز قابل قبول.
۶. متقاضیان می توانند مدارک ارزیابی کیفی را در روز آگهی نوبت اول از سایت اینترنتی این شرکت به نشانی WWW.IOOC.CO.IR بخش مناقصات تهیه نمایند.
۷. متقاضیان می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر با کارشناس پرونده به شماره ۲۳۹۴۲۶۶۱ تماس حاصل نمایند.
۸. محل ارسال مدارک ارزیابی کیفی : تهران، خیابان ولیعصر (عج)، بالاتراز مسجد بلال، نرسیده به تقاطع مدرس، خیابان خاکزاد، پلاک ۱۲، طبقه ۹، اتاق ۱۶-۹، کمیسیون مناقصات.
۹. مناقصه گرانی که از ابتدای سال جاری ۱۳۹۵در مناقصات مشابه (در حدود مناقصه حاضر) توسط شرکت نفت فلات قاره ایران ارزیابی و حداقل امتیاز لازم را کسب نموده اند، نیازی به ارائه مجدد مدارک و فرم های ارزیابی نداشته و صرف اعلام آمادگی کتبی آنها در موعد مقرر جهت شرکت در مناقصه کفایت می کند.

روابط عمومی
شرکت نفت فلات قاره ایران